



حمایت واقعی از بخش خصوصی

سیاست‌های دولت باید حمایت واقعی از بخش خصوصی باشد نه مداخلات مخرب. به گزارش ایسنا، علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد و دارایی با بیان اینکه دولت منابع عمومی را برای بخش خصوصی هزینه می‌کند، نه برای خود، گفت: سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که این حمایت واقعی شود و نه با مداخلات غیرضروری، که نتیجه عکس دارد. در عمل، بسیاری از شرکت‌هایی که به ظاهر خصوصی هستند، با واسطه‌های متعدد تحت کنترل دولت یا مسئولان حاکمیتی قرار گرفته‌اند. این موضوع که ساختار شرکت‌ها غیرشفاف و تصمیم‌گیری‌ها غیرمستقل است، یک آسیب جدی برای اقتصاد کشور به وجود آورده است، او افزود: بسیاری از شرکت‌ها که خصوصی شده‌اند، به دلیل ساختار پیچیده، همچنان تحت تأثیر تصمیمات دولتی هستند. این موضوع باعث شده عملکرد این شرکت‌ها ناکارآمد شود. هدف از واگذاری سهام عدالت افزایش مشارکت مردم در شرکت‌ها بود، اما اجرای نادرست آن منجر به از دست رفتن مالکیت واقعی مدیران و توقف رشد شرکت‌ها شد.



وزارت نیرو و نفت به دستور پزشکشان توجه کنند

وزیر صمت با اشاره به دستور رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه تولید آخرین بخشی باشد که برق و گاز آن قطع می‌شود، از وزارت نیرو، نفت و گاز خواست به این دستور توجه کنند تا شاهد محدودیت‌های کمتری بر بخش صنعت و تولید کشور باشیم. به گزارش ایلنا، محمد اتابک عنوان کرد: محدودیت‌هایی که در سال گذشته در زمینه گاز و برق برای صنعت اعمال شد، محدودیت در بخش‌های ذوب را به دنبال داشت که نتایج آن را در افزایش خام‌فروشی محصولات معدنی شاهد بودیم زیرا بنگاه‌ها باید از نظر اقتصادی قابلیت چرخش اقتصادی خود را حفظ کنند. اودر خصوص مباحث مطرح شده از سوی رئیس مجلس در خصوص میزان مصرف سوخت معادن گفت: گزارشی در این خصوص تهیه و به مجلس ارسال شده است. وزیر صمت گفت: تأثیر تحریم‌ها بر صنعت، معدن و تجارت کشور مهم نبوده اما برای اینکه بگویم تأثیری نخواهد داشت، هنوز زود است.



تشکیل کمیته ساماندهی نیروهای شرکتی

پیش‌نویس‌هایی در کمیته ویژه بررسی خواهد شد که قرار است تکلیف بخشی از چالش‌های چندساله در حوزه نیروی انسانی را مشخص کند. به گزارش تسنیم، علاءالدین رفیع‌زاده، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور با اشاره به فعالیت کلینیک اصلاح فرآیندها عنوان کرد: این سازوکار بر پایه دریافت انتقادات و پیشنهادهای مردمی طراحی شده تا مشکلات و نارسایی‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی شناسایی و روندهای اداری اصلاح شود. تمام فرآیندهای جاری در دستگاه‌های مختلف بر اساس بازخوردهای مردم پایش و اصلاح می‌شود. همچنین موضوع برکناری‌ها، عزل و نصب‌ها پایان هر ماه مشخص و اعلام خواهد شد. او درباره، اصلاح ماده ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، گفت: در این اصلاحیه چهار هدف اصلی کاهش شکاف درآمدی میان دوران اشتغال و بازنشستگی کارمندان، کاهش تفاوت‌های میان مسئولان قانون‌کار و قانون مدیریت خدمات کشوری، حذف نیاز دوره‌ای به قوانین هم‌سان‌سازی حقوق و در نهایت پایداری صندوق‌های بازنشستگی دنبال می‌شود.

طهماسب مظاهری و حسین عبده‌تبریزی نظام بانکی و ارزی کشور را در نشستی در دانشگاه تهران بررسی کردند بازار، دولت را شکست می‌دهد



علی ایوبی

خبرنگار گروه اقتصاد

چهارشنبه‌شب دانشکده فنی دانشگاه تهران میزبان نشست «ارزیابی کلان نظام بانکی و ارزی کشور» بود، هر چند اصغر فخریبه کاشان، معاون ارزی بانک مرکزی در دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به دلیل بیماری نتوانست در این برنامه شرکت کند اما حسین عبده‌تبریزی، پژوهشگر اقتصاد و دبیرکل پیشین بورس اوراق بهادار تهران و طهماسب مظاهری، وزیر اقتصاد دولت خاتمی و رئیس پیشین بانک مرکزی به بیان دیدگاه‌های خود درباره وضعیت این روزهای اقتصاد ایران پرداختند و تأکید کردند: در ۲۰ سال گذشته فرصت توسعه را از دست دادیم و درست در آن سال‌هایی که باید برنامه چشم‌انداز را اجرا می‌کردیم، فرصت‌های زیادی را از دست دادیم و برخی صنایع و بعضی از بازارهای سنتی مثل فرش و پسته و زیره و اینها را از دست دادیم و در شرایطی هستیم که نیازمند روابط بین‌المللی جدی هستیم. اینکه گفته می‌شود اکنون سرمایه‌گذار خارجی و یا سرمایه‌گذار ایرانی خارج از کشور حاضر نیست به ایران بیاید، دو اتفاق افتاده است: در دولت احمدی‌نژاد به آیین‌نامه‌های این قانون دست بردند و آن را تغییر دادند و به تعبیر خودشان اصلاح کردند و به تعبیر ما تخریب کردند و آیین‌نامه‌ها را طوری نوشتند که انگیزه سرمایه‌گذاری خارجی را گرفتند.

حسین عبده‌تبریزی در ابتدای این نشست عنوان کرد: بالاترین نرخ رشد در کشور در دهه ۴۰ بوده که رشد حدود ۱۰ درصدی را برای بیش از ۱۰ سال داشتیم که حاصل نقش تکنوکرات‌ها و نهادسازها بود اما این بازی را در دهه ۵۰ شاه به هم زد و گفت من خودم اداره می‌کنم. آن چیزی که در اینجا مهم است و در تاریخ ایران تکرار نشد این بود که ۴/۴ درصد از نرخ رشد مربوط به بهره‌وری بود و آن را در برنامه‌های بعد از انقلاب گذاشتیم که مثلاً ۸ یا ۶ درصد رشد از بهره‌وری باشد اما متأسفانه هیچ‌وقت تحقق پیدا نکرد.

ما در دهه ۵۰ جهش نفتی و نسبتاً رشد بالا داریم اما بهره‌وری منفی است یعنی تمام زور توسعه کشور و رشد را نفت جلو می‌برد و در واقع نتوانستیم به قدر کافی منابع را به سمت بهره‌وری ببریم. در دوران جنگ هم نرخ منفی داشتیم و رشد سرمایه‌های فیزیکی در کشور از بین رفت اما مقداری بهره‌وری داشتیم و این همیشه در تاریخ اقتصادی بعد از انقلاب اتفاق افتاده که هر وقت منابع نداریم مقداری فکر می‌کنیم و بهره‌وری کمی وضعیت بهتری دارد. در دهه ۷۰ که آقای هاشمی آمدند، رشد متوسط شد، اما بهره‌وری نزدیک به صفر بود؛ یعنی در آن دولت، بهره‌وری عنصری نیست که بخشی از رشد را تشکیل دهد.

در اوایل دهه ۸۰ و در دولت آقای خاتمی، بالاترین نرخ رشد بعد از انقلاب یعنی ۶ درصد را داشتیم اما بهره‌وری خیلی مثبت نبود و معلوم بود که نرخ رشد بیشتر با زور منابع نفتی و سرمایه است. از سال ۱۳۸۴ که با آمدن آقای احمدی‌نژاد و تغییر سیاست‌ها و تحریم و پوپولیسم به نظر من کشور روی خوش ندید و با توجه به اینکه منابع زیادی هم داشتیم اما نرخ رشد خیلی کم و بهره‌وری منفی داشتیم.

در دهه ۹۰ ناترازی بانکی و تورم مزمن هم به آن اضافه شد و از سال ۱۳۹۶ به بعد وارد وضعیت جدیدی در اقتصاد شدیم. اگر حدود هفت سال پیش می‌گفتند

که تورم به ۶۰ درصد می‌رسد باور نمی‌کردیم یا برای ما سنگین بود ولی از سال ۱۳۹۶ به بعد قبول داریم که نرخ‌های تورم بالا خواهد بود و آگه بتوانیم آن را بر روی ۴۰ درصد نگه داریم اتفاق خیلی خوبی در داخل کشور رخ داده است.

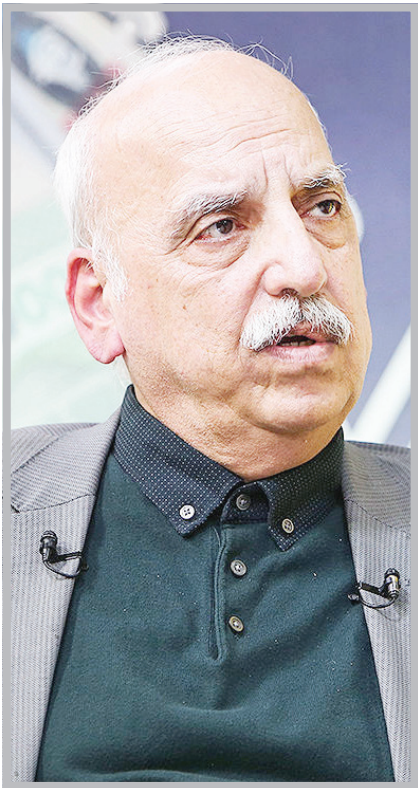
اگر رشد ۶ درصدی دولت خاتمی ادامه پیدا می‌کرد چه می‌شد؛ بر اساس چشم‌اندازی که داشتیم و اگر رشد ۶ درصد پایدار می‌ماند، قرار بود که در سال ۲۰۲۴ یعنی همین امسال به ۳/۲۴ تریلیون دلار برسیم. روشن است که اگر آن مسیر ادامه پیدا می‌کرد ما به راحتی به این رقم می‌رسیدیم بنابراین آنهایی که برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله را نوشتند دیوانه نبودند. محاسبات چشم‌انداز ۱۴۰۴ واقع‌بینانه بود اما چشم‌انداز بیست ساله درست از آب درنیامد؛ برای اینکه آن مقروضاتی که داشتیم که با همان ۶ درصد پیش ببریم، صورت نگرفت. تحریم‌های گسترده و ضعف‌های نهادی و پوپولیسمی که بعد از سال ۱۳۸۴ و در سیاست‌های ارزی و استخدامی حاکم شد از دلایل این روند منفی بود و به جای ۶ درصد در بهترین حالت و در این سال‌ها نزدیک به دو درصد رشد کردیم و بهره‌وری نیز بالا نرفت و اقتصادمان از بازارهای رقیب عقب افتاد.

یکی از دلایل عدم بهره‌وری، نظام چندنرخ ارز است که سال‌های طولانی است که به دنبال این هستیم از دست این نظام چندنرخ‌ری راحت شویم. فکر کنم اولین سخنرانی‌ای که در این مورد انجام دادم در سال ۱۳۶۳ یعنی ۴۱ سال پیش بود که سیستم چندنرخ‌ری بودن ارز خوب نیست. کنترل‌های دستوری قیمت و ارز، همچنین فساد ساختاری و سیاست‌های اعتباری تکلیفی، ناترازی‌های مزمنی در نظام بانکی به وجود آورد که باعث شد به‌رغم نیروی انسانی خوبی که در کشور بود نتوانیم بهره‌وری داشته باشیم. از سال ۱۳۸۴ سیاست‌های پوپولیستی اجازه نداد که بهره‌وری حرکت کند.

با این پیش‌زمینه وارد شرایط جدید شده‌ایم، جنگ تمام شده و به نظر می‌رسد حداقل اولویت در سیاست ایران این باشد که اگر انتخاب اول اسرائیل جنگ هست و اگر انتخاب اول آمریکا دیپلماسی است، انتخاب اول ایران حفظ وضعیت موجود است یعنی ایران علاقه‌مند است وضعیت موجود حفظ شود و زمان بگذرد و ترامپ برود تا بعداً بتواند مشکلات کشور را حل کند و جمع‌بندی من که از بیرون به موضوع نگاه می‌کنم این است و به نظر می‌رسد نگاه داشتن وضعیت موجود، هم دشوار و هم بسیار پرهزینه است و ما در یک وضعیت تعلیق قرار داریم. ویژگی تعلیق، توقف پروژه‌های توسعه‌ای، کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری و رکود در بازار سرمایه و رفتارهای اقتصادی محتاطانه است و در واقع یک تردید راهبردی به وجود آورده است که نمی‌دانید چگونه باید تصمیم گرفت. تعلیق خیلی شبیه به جنگ است، مثلاً در حوزه سرمایه‌گذاری مانند دوران جنگ هیچ تصمیمی گرفته نمی‌شود تا ببینیم در آینده چه خواهد شد. در واقع تعلیق جنگ نامرئی علیه اقتصاد بدون شلیک حتی یک گلوله است که متأسفانه در آن قرار داریم.

خروج از بحرانی که در آن هستیم شبیه پله است؛ یعنی ما در هر پله باید اصلاحاتی را انجام دهیم تا از آن دوره بیرون بیاییم و امکان ندارد بلافاصله از بحران خارج شویم و مثلاً بگوییم حالا که جنگ ۱۲ روزه تموم شد پس از بحران خارج شده‌ایم، این اتفاق نیفتاده و شواهد آن را هم نمی‌بینیم.

به نظر می‌رسد مدت بیشتری طول بکشد برای اینکه آتقدر مشکلات داریم که پله به پله باید اصلاحات را انجام دهیم و با یک اقدام مشخص به مرحله بعد برویم. هر



اصلاح اقتصادی که آقای رئیس‌جمهور انجام می‌دهد باید در حوزه اجتماعی و در حوزه سیاست داخلی و خارجی نیز کارهایی انجام دهد تا بتوانیم به جایی که مثلاً در سال ۱۳۸۵ و یا دوره بعد آن یعنی سال ۱۳۹۶ که هنوز وارد تورم‌های جدی نشده بودیم، برسیم که قطعاً طول خواهد کشید.

به نظر من از سال ۱۳۸۴ به بعد به طور کلی ما در یک حرارت بحران بودیم و نتوانستیم از چند بحران خارج شویم؛ یکی از آنها ریسک سرمایه‌گذاری خارجی بود که هیچ‌وقت سرمایه‌گذار خارجی بعد از آن سال نیامد و اگر هم بود رقم خاصی نبود. همچنین در ۲۰ سال گذشته فرصت توسعه را از دست دادیم و درست در آن سال‌هایی که باید برنامه چشم‌انداز را اجرا می‌کردیم، فرصت‌های زیادی را از دست دادیم و برخی صنایع و بعضی از بازارهای سنتی مثل فرش و پسته و زیره و اینها را از دست دادیم و در شرایطی هستیم که نیازمند روابط بین‌المللی جدی هستیم.

به قطعیت باید گفت که شرکت‌ها بزرگ نشده‌اند و کوچک شدن و انقباض اقتصاد باعث پایین آمدن تولید و افزایش بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد. مشکل اساسی که در این سال‌ها داشتیم این است که دولت رویه‌روی بازار ایستاده است، یعنی هر وقت دولت بخواهد جای بازار را بگیرد و به جای آن تصمیم بگیرد، بازار او را شکست می‌دهد. بازار یک سازوکار طبیعی هماهنگی بین آدم‌ها است و دخالت دولت اگر فراتر از تنظیم قواعد بازی باشد نتیجه‌ای ندارد.

در مورد خانه باید گفت در تهران رشد اسمی قیمت مسکن در طول دو سال گذشته تقریباً ۲۵ درصد کمتر از نرخ تورم حرکت کرده است اما قیمت دلاری آن تقریباً نصف شده است در حالی که قیمت ریالی آن رشد داشته است، این در حالی است که قیمت مصالح از سال گذشته حدود ۴۷ درصد بالا رفته و مزد نیروی کار نیز به شدت زیاد شده است بنابراین آنچه حباب آن ترکیده می‌شود زمین است که بعد از سال ۱۳۹۹ که بورسی‌ها ناگهان پولدار شدند و بخشی از پس‌انداز خود را وارد بازار مسکن کردند، وحشتناک بالا رفته بود اما وقتی رشد بورس متوقف شد تازه رشد بازار مسکن آغاز شد و در یک سال نزدیک به ۱۳۷ درصد رشد کرد و حباب آن قیمت‌های عجیب و غریب در حال تخلیه شدن است.

به دلیل تورم، بخش زیادی از سرمایه‌های مردم مانند طلا و ارز به سمت صندوق‌های مبتنی بر طلا حرکت کرده است و این در تاریخ ایران با رشدهای ۵۰۰ درصدی در این حوزه بی‌سابقه بوده است. صندوق‌های طلا در دو سال گذشته یکی از سریع‌ترین رشدهای تاریخی را نسبت به سایر بازارها تجربه کرده است. سرمایه‌گذاری خرد در رمزارزها نیز رونق داشته و به سبب سرمایه‌گذاری تبدیل شده است؛ به‌ویژه جوانان عادت کرده‌اند که بخشی از سرمایه‌های خود را در آن بگذارند. نهادهای رسمی نیز به دنبال ایجاد صندوق‌های مبتنی بر ارز هستند و هم بانک مرکزی و هم سازمان بورس و اوراق بهادار می‌خواهند اوراق ارزی منتشر کنند و صندوق‌های ارزی ایجاد کنند و به نوعی مقامات رسمی هم دلاریزه شدن اقتصاد را قبول کرده‌اند.

بانک مرکزی طبعاً سختگیرتر است اما مرکزی درست کرده و اوراق ارزی را نه به عامه مردم ولی به صندوق‌ها فروخته است، نتیجه اینکه توجه عمومی مردم از بورس به سمت دارایی‌های ضدتورمی مثل طلا، ارز و رمزارز رفته است. صندوق‌ها به جز صندوق‌های طلا یعنی صندوق‌های درآمد ثابت نیز رشد قابل توجهی داشته‌اند؛ چون نرخ بازدهی آنها نسبت به بانک‌ها بیشتر است